

مرور

سرعت بی‌سابقه گرمایش زمین

● گرمایش جهانی نام پدیده‌ای است که منجر به افزایش میانگین دمای سطح زمین و اقیانوس‌ها می‌شود. با وجود ادعای برخی از «انکارکنندگان»، امروز گرم‌شدن کره زمین بزرگ‌ترین خطری است که محیط زیست را تهدید می‌کند. گرم‌شدن زمین سبب تغییر الگوی بارش باران و برف، افزایش سطح آب دریا‌های آزاد و کاهش سطح آب دریاچه‌ها و تأثیرات عمیق بر گونه‌های مختلف گیاهان و حیوانات و سرانجام انسان‌ها خواهد شد. طبق تحقیقات دانشمندان از زمان خشک‌سالی‌های دو دهه گذشته حدود ۴۵ کشور در معرض خشک‌سالی شدید قرار گرفته‌اند. همچنین در ۱۰۰ سال گذشته کره زمین به‌طور غیرطبیعی حدود ۰٫۷۴ درجه سلسیوس گرم‌تر شده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که ۱۰ مورد از گرم‌ترین سال‌های جهان تنها از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۷ به ثبت رسیده است که این میزان در ۱۵۰ سال گذشته بی‌سابقه بوده است. گرم‌شدن کره زمین، مهم‌ترین مسئله علمی قرن بیست‌ویکم است که ساختار اجتماع جهانی را به چالش می‌کشد. گرم‌شدن زمین تنها یک نگرانی علمی نیست و بر مسائل اقتصادی، جامعه‌شناسی، ژئوپلیتیکی و سیاست‌های بومی تأثیر می‌گذارد. گرم‌شدن زمین، حاصل افزایش چشمگیر گازهای گلخانه‌ای، از جمله دی‌اکسیدکربن در اتمسفر است؛ گازهایی که نتیجه مصرف و سوختن سوخت‌های فسیلی و تخریب جنگل‌ها هستند. نیروگاه‌های تولید برق، صنعت حمل‌ونقل، پالایشگاه‌ها و به طور کلی استفاده از سوخت‌های کربنی از جمله زغال سنگ، نفت و گاز طبیعی بیشترین سهم را در تولید گازهای گلخانه‌ای دارند. همچنین نابودی و آتش‌سوزی جنگل‌ها و افزایش میزان دی‌اکسیدکربن در اتمسفر به عنوان یکی از دلایل گرم‌شدن دمای زمین مطرح می‌شود. گرمایش زمین هم موجب تغییرات در شرایط زیست جانداران می‌شود و هم یخ‌های قطبی را ذوب می‌کند که علاوه بر تأثیر بر جانداران قطب‌ها موجب بالاآمدن سطح آب اقیانوس‌ها می‌شود. توفان، سیل، گرداب، امواج هوای گرم و دوره‌های طولانی خشک‌سالی، آتش‌ب‌های اجتماعی، جنگ‌های داخلی، موج مهاجرت‌های اقلیمی، ازبین‌زتن محصولات کشاورزی و… از نتایج مستقیم این پدیده‌اند.

جهانی‌دیگر
جاناتان نیل
ترجمه: پروانه قاسمیان
وینیا قربنی
ناشر: اختران
قیمت: ۴۸۰۰۰ تومان

کتاب «جهانی‌دیگر» با پایان‌دادن به گرمایش جهان» که به تازگی منتشر شده، به سیاست‌های حاکم و تأثیرگذار بر گرمایش جهانی و فجایع حاصل از آن می‌پردازد. نویسنده کتاب، جاناتان نیل، یان‌نویس، مورخ و از سازمان‌دهندگان اصلی تظاهرات علیه تغییرات اقلیمی است. او نشان می‌دهد که راه‌حل‌هایی که نظام بازار برای مقابله با گرمایش زمین ارائه می‌کند (راه‌حلهایی مانند خرید و فروش حق انتشار کربن و پرداخت یارانه به سوخت‌های زیستی) موجب نابرابری بیشتر اقتصادی می‌شوند و در پیشگیری از تغییرات اقلیمی فاجعه‌بار ناتوان‌اند. ادعای اصلی کتاب بررسی راهکارهای پایدار،ساختن عدالت اجتماعی و واگذاری مسئولیت اجتماعی به محیط‌زیست‌گرایی است. نویسنده در این اثر به ارائه راه‌حل‌هایی برای پایان‌دادن به گرمایش جهانی پرداخته و معتقد است اگر در زمان مناسب اقدامات لازم را انجام ندهیم جهانی پر از پناه‌جو، قحطی، جنگ، درد و رنج در انتظار ماست. به نظر نویسنده، انسان امروز توانایی، دانش و فناوری حل معضل گرمایش زمین را دارد، اما شرکت‌های قدرتمند تولیدکننده کربن و دولت‌های لوبیالر نمی‌خواهند دست به اقدامی عملی در این زمینه بزنند. پس باید تنها نیرویی را که می‌تواند در مقابل آنان بایستد، یعنی اکثریت مردم جهان، بسیج کرد تا به مقابله با سرمایه‌داری پرخیزند؛ سرمایه‌داری که سود خود را مقدم بر مصالح مردم و کره زمین می‌داند.

در بخشی از کتاب نویسنده به برخی از مخاطرات طبیعی زیان‌رانه حاصل از گرمایش جهانی اشاره می‌کند. او طوفان کاترینا و لوئیزیانا یا طوفانی که در سال ۱۹۲۷ در بنگلادش ۳۰۰ هزار نفر را کشت یا خشک‌سالی چهل‌ساله ساحل افریقا از اتیوپی تا مالی را نتیجه آسیب‌هایی می‌داند که انسان به چرخه طبیعی کره زمین وارد کرده است. به عقیده بسیاری از دانشمندان با افزایش آگاهی‌های عمومی، کاهش استفاده از سوخت‌های فسیلی و مصرف بهینه انرژی، افزایش سطح فضای سبز و جلوگیری از تخریب جنگل‌ها، باز یافت مواد و استفاده از انرژی‌های جایگزین سوخت‌های فسیلی مانند توربین‌های بادی، انرژی خورشیدی، امواج اقیانوس و گرمای درون زمین می‌توان این پدیده و آثرات منفی آن بر زندگی بشر را کنترل کرد اما این تغییرات نیازمند تغییرات اساسی در ساختار اداره سیاسی و اقتصادی جهان است. گرم‌شدن کره زمین برخی از دیگر مشکلاتی را آشکار می‌کند که جهان امروز با آنها درگیر است. این پدیده نه فقط مفهوم دولت-ملت را در برابر مسئولیت جهانی، بلکه دیدگاه کوتاه‌مدت سیاسی رهبران کشورها را هم زیر سؤال می‌برد. در پاسخ به این پرسش که برای جلوگیری از گرم‌شدن زمین چه کاری از دست‌مان برمی‌آید، باید بعضی از بنیادی‌ترین قوانین جامعه‌مان را درگیرون کنیم تا بتوانیم رویکردی جهانی‌تر و بلندمدت‌تر در پیش بگیریم.

اندیشه

ضرورت فلسفی حقوق حیوانات

چه چیز می تواند رفتار سبعانه آدمی را با دیگر جانداران توجیه کند؟ مطلقا هیچ چیز

***کریستین کورسگارد** * . ترجمه: کاوه شکیب*



تخم: ایمان حاضی‌خواه مهر

موضوع برای همه حیوانات صادق است. هیچ دلیلی نیست تا آنچه را برای موجودات صاحب عقل خوب است خیر مطلق بشمریم. حال آنکه خیر بقیه حیوانات را نادیده بگیریم یا کم‌اهمیت بشماریم. حیوانات نیز به همین معنا غایات فی‌نفسه هستند.

کانت حق داشت که می‌گفت حیوانات نمی‌توانند برای ساختن قوانین جمعی در قلمرو غایات به ما بپیوندند. مناسبات اخلاقی ما با انسان‌های دیگر فرق دارد با مناسبات اخلاقی‌مان با سایر حیوانات. ولی دلیلی داریم که بر اساس آن باید آنچه را برای یک حیوان خوب است خیر مطلق بدانیم و آن هم اینکه آن خیر همانا خیر اوست، خیر مخلوقی که برای او نیز چیزها خوب و بد دارند.

برخی شیوه‌های متفاوت رفتار ما با حیوانات را می‌توان بر مبنای تفاوت‌هایی که میان انسان و سایر حیوانات وجود دارد توجیه کرد – مثلا تفاوت در اینکه رای آنها چه چیز خوب است و چه چیز بد و در برخی موارد، تفاوت در اینکه آن چیز چقدر خوب یا بد است. ولی این شیوه‌های وحشتناکی که ما درواقع با آنها پیشه کرده‌ایم نوعی قساوت اخلاقی است که ابعادی عظیم دارد و روزبه‌روز هم گسترده‌تر می‌شود. وقت آن رسیده که شیوه‌های خود را در اندیشیدن به حیوانات و تعامل با آنها از بیخ‌وبن دگرگون کنیم.

منبع: مجله پراسپکت

*** کریستین کورسگارد فیلسوف آمریکایی و استادتمام فلسفه دانشگاه**

هاروارد و یکی از شارحان شناخته‌شده فلسفه کانت است. حوزه کار او

فلسفه اخلاق است و به ارتباط مباحث فلسفه اخلاق با مباحث متافیزیک،

فلسفه ذهن و نظریه هویت اشتغال دارد. آخرین کتاب او سال گذشته با

عنوان «مخلوقات هم‌نوع: تعهدات ما در قبال سایر حیوانات» به همت

انتشارات آکسفورد منتشر شد.

پی‌نوشت:

۱. اصلاح نژاد انتخابی یا زادگیری گزینشی (Selective breeding) به فرایندی گفته می‌شود که در آن انسان به پرورش جانوران و گیاهانی اقدام می‌کند که صفات بیولوژیکی خاصی دارند. اصلاح نژاد انتخابی در جانوران اهلی انجام می‌شود.

چگونه سرمایه‌داری استثمار حیوانات را در جامعه درونی کرده و حفظ می‌کند

حیوانات: نماینده نیروی کار بدون دستمزد

درنظرگرفتن نقش حیوانات در این مکانیسم تولیدی گسترده، اندیشیدن درباره حیوانات – به‌عنوان دارایی جاندار دیگران – در چارچوب تحلیلی از طبقه کارگر ناگزیر است. حیوانات به‌عنوان نیروی کار بی‌دستمزد نه‌فقط خودشان تبدیل به کالا می‌شوند، بلکه انرژی، غذا و پوشاکی را فراهم می‌کنند که به توسعه سرمایه صنعتی کمک می‌کند.

نویسنده به تولیدات کشاورزی معاصر اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که هم در استثمار نیروی کار انسان و هم حیوانات مالکیت خصوصی به شیوه‌ای کاملاً یکسان اجرا می‌شود. مع‌الوصف، وضعیت حیوانات را کمی متفاوت می‌بیند، چون «تمامی آنچه تولید می‌کنند، معطوف به ارضای نیازهای صاحبان‌شان است و هدف چیزی نیست جز حداکثر سود». مثلا به جوجه‌های اشاره می‌کند که وقتی سلاخی می‌شوند تقریبا چهارماه‌اند و برای این پرورش داده می‌شوند که به سرعت رشد کنند و سریع‌ا وزن اضافه کنند را زودتر سلاخی شوند و گردش سرمایه سریع‌تر شود؛ چراکه «تولید کالاهای حیوانی درست مثل تولید هر کالای دیگری، به سرمایه‌گذاری کم در تولید و فروش آن به بالاترین قیمت ممکن بستگی دارد». منتها همان‌طورکه سرمایه‌گذاری در نیروی کار انسانی با مجبورکردن کارگران به فروش نیروی کارشان باعث استمرار فلاتت انسان می‌شود، تولید محصولات حیوانی نیز به فلاکت حیوانات استمرار می‌بخشد. در نظر تئورس بهره‌کشی از گروه‌های خصوصی از انسان‌ها و حیوانات با تارویود اجتماع و اقتصاد ما در هم تنیده است، چون «آن‌طورکه رسم جهان ماست، حیوانات همیشه در اختیار و دستخوش خواسته‌های انسان، من‌جمله بی‌ارزش‌ترین خواسته‌ها، خواهند بود». اغلب متفکران با تحلیلی صرفا اخلاقی به خشنوت علیه حیوانات می‌پردازند؛ اما قاب تحلیلی تئورس متفاوت و جالب است. او حیوانات را قربانیان خواسته‌های حریصانه انسان و گرفتار چرخه کالایی‌شدن و بهره‌کشی و دستخوش اختیارات ما می‌داند و تأکید دارد خشنوت علیه حیوانات را باید ساختاری دید، مثل خشنوتی که علیه میلیاردها آدم در جامعه نابرابر جهانی اعمال می‌شود.

کروه اندیشه: حیوانات مهم‌ترین بخش از وعده‌های غذایی و بخشی مهم از پوشش و لباس انسان‌ها هستند و عنصری تعیین‌کننده در آزمایشگاه‌های پزشکی، مقاصد آرایشی، بهداشتی و نظامی. صنایع کشتار جمعی حیوانات سالانه هزاران هزار میلیارد دلار از قبل حیوانات به دست می‌آورند و از کارگران، این صنعت نیز به طرز وحشیانه‌ای بهره‌کشی می‌کند. تمام دودستگاه‌های تبلیغاتی هم حیات و سلامتی انسان‌ها را به سلب حیات حیوانات گره می‌زنند. اما ناگهان رفتاری دوگانه از آدم‌ها سر می‌زند. آدم‌ها می‌توانند همزمان دسته‌ای از حیوانات را نازووازش کنند و دسته‌ای دیگر را بکشند و بخورند. اوج رابطه عجیب آدم‌ها با حیوانات را می‌توان در برخورد دوگانه انسان‌ها با حیوانات خانگی و سایر گونه‌های حیوانی دید، خاصه حیواناتی‌که به مصرف ما می‌رسند. بگذریم از تجارت عظیم و سودآور حیوانات خانگی، دلیل این رفتار چیست؟ پاسخ این سوال را می‌توان در کتاب «اقتصاد سیاسی حقوق حیوانات» اثر باب تئورس جست که تلاشی است نظری با داده‌های مستند علیه بهره‌کشی از حیوانات. تلاش تئورس در این کتاب نه از زاویه دید حامیان و کمپین‌های حمایت از حقوق حیوانات بلکه از منظر اقتصاد سیاسی است، او حتی پدر جنبش رهایی حیوانات، پیتز سینگر، را هم نقد می‌کند که چطور نتوانست نشان دهد ستم عصری ساختاری است و ریشه در مناسبات اقتصادی غیراقتصادی دارد. این کتاب با ترجمه گلناز ملک و به همت نشر مرکز در فارسی موجود است.

باب تئورس در کتاب حاضر می‌کوشد دامپروری و صنایعی را که از بهره‌کشی حیوانات سود می‌برند، درون چارچوب بزرگ‌تر و پویای بهره‌کشی در نظام سرمایه‌داری قرار دهد. او چند کار مهم در این کتاب می‌کند. تئورس به بررسی نقادانه سرمایه‌داری و نسبت آن با بهره‌کشی از حیوانات می‌پردازد. مشارکت انسان‌ها را در یکی از فراگیرترین و ریشه‌دارترین اشکال سلطه در فرهنگ معاصر به چالش می‌کشد و نشان می‌دهد چگونه کشتار سازمان‌یافته حیوانات و بهره‌کشی از آنها به لطف «قانون» و «سلطه» انجام

مرور

علم در خدمت سیاست

● محصولات «دست‌کاری‌شده ژنتیکی» که در زبان فارسی برای‌شان از معادل «تراریخته» استفاده می‌شود، موضوعی مناقشه‌برانگیز است که موافقان و مخالفان زیادی دارد. در سال‌های اخیر محققان زیادی سعی کرده‌اند با انجام آزمایش‌های علمی منصفانه به شناخت و معرفی جنبه‌های مختلف آن بپردازند. گیاه تراریخته به گیاهی گفته می‌شود که یک یا چند ژن را از گونه‌های دیگر از طریق روش‌های مهندسی ژنتیک دریافت کرده باشد. هدف از این کار، بهبود مقاومت گیاه در برابر برخی از آفات یا بیماری‌های گیاهی، افزایش تحمل تنش‌های محیطی نظیر شوری و کم‌آبی، بهبود کیفیت و بازاریابسندی محصول، افزایش تولید و عملکرد گیاه، افزایش بهره‌وری در کشاورزی و در نهایت، افزایش سطح سلامت جامعه از طریق کاهش مصرف انواع سموم و کودهای شیمیایی است. با وجود تلاش‌های فراوان، تا به امروز نه‌فقط هیچ تضمینی برای رسیدن به اهداف فوق به دست نیامده؛ بلکه در مواردی محصولات تراریخته به علت کوتاه‌بودن فرایند بررسی سلامت، اثرات مخربی را بر سلامت انسان‌ها داشته‌اند. عمده‌ترین انتقادی که به محصولات تراریخته وارد می‌شود، انحصار تکنولوژی آن در دست چند دولت و شرکت بزرگ چندملیتی و مخفی‌کردن عوارض ناشی از استفاده این محصولات است. در ایران نیز بحث و جدل‌ها درباره استفاده و تولید محصولات تراریخته فراوان است.

کتاب «بذرهای نابودی» (برنامه مخفی دست‌کاری ژنتیکی) که به‌تازگی منتشر شده، مراحل پیدایش، رواج و خطرات مواد غذایی دست‌کاری‌شده ژنتیکی را توضیح می‌دهد و از سیاست‌های پنهان دراین‌باره برده برمی‌دارد و گسترش و تکثیر تراریخته‌ها را که اغلب از طریق سرکوب سیاسی، فشار دولتی، کلاهبرداری، دروغ و حتی قتل صورت گرفته، ردیابی می‌کند. این کتاب دنباله‌ای است بر مجلد دیگری با عنوان «صد سال جنگ: سیاست‌های نفتی انگلیس-آمریکا و نظم نوین جهانی»، با توجه به اینکه کتاب حاضر در سال ۲۰۰۷ میلادی نوشته شده و در ۱۱ سال اخیر مطالعات علمی مضاعفی درباره محصولات تراریخته انجام گرفته است، مترجم در مقدمه‌ای که بر کتاب نوشته، به انحصار برخی از آزمایش‌های علمی و نتایج‌شان

بذرهای نابودی
اف. ویلیام انگدال
ترجمه: قاسم دلیری
ناشر: ققنوس
قیمت: ۴۲۰۰۰ تومان

را برمی‌شمارد تا خواننده بر مبنای آنها بتواند درباره مصرف این نوع غذاها به قضاوتی نسبی دست پیدا کند.

در کتاب حاضر، نویسنده، جهانی از دسیسه‌های سیاسی، فساد و سرکوب دولتی را برملا می‌کند که در آن از دست‌کاری ژنتیکی و ثبت انحصاری موجودات زنده برای به‌دست‌گرفتن کنترل جهانی تولید غذا استفاده می‌شود. این در حالی است که زنجیره تولید غذای صنعتی از دست‌کم ۷۵ درصد منابع کشاورزی جهان استفاده می‌کند و یکی از منابع اصلی انتشار گازهای گلخانه‌ای است؛ ولی غذای کمتر از ۳۰ درصد مردم جهان را تأمین می‌کند. هنری کیسینجر زمانی گفته بود: «اگر نفت را کنترل کنی، کشورها را کنترل خواهی کرد؛ اگر غذا را کنترل کنی، مردم را کنترل خواهی کرد» (ص ۳۶). نویسنده توضیح می‌دهد که چگونه موضوع بیوتکنولوژی و اصلاح ژنتیکی گیاهان و دیگر موجودات زنده که با عنوان بازهی کشاورزی، کمک به محیط زیست و حل معضل گرسنگی جهانی صورت می‌گیرد، اولین بار از آزمایشگاه‌های تحقیقاتی ایالات متحده در اواخر دهه ۱۹۷۰ سر برآورد. در دهه ۱۹۸۰، دولت ریگان در بخش‌های کلیدی سیاست اقتصادی به شیوه‌هایی عمل کرد که سیاست‌های افراطی متحد نزدیک رئیس‌جمهور، مارگارت تاچر نخست‌وزیر بریتانیا را منعکس می‌کرد. اولین غذای تراریخته که فروش انبوهی داشت، شیر حاوی نوعی هورمون رشد گاوی به نام «آربی‌جی‌جی» بود. این دست‌کاری ژنتیکی را شرکت آمریکایی «مونسانتو» ثبت انحصاری کرده بود که روابط نزدیکی با دولتمردان ایالات متحده دارد. پیش از آنکه اطلاعات حیاتی درباره چگونگی تأثیرگذاری احتمالی شیر اصلاح‌شده ژنتیکی بر سلامت انسان موجود باشد، سازمان غذا و دارو آن را برای مصرف انسانی سالم اعلام کرد. تا سال‌های آغازین قرن جدید روشی بود که فقط چهار شرکت شیمیایی چندملیتی بزرگ در بازی کنترل حقوق انحصاری بر محصولات غذایی اصلی ظهور کرده‌اند؛ محصولاتی که اکثر مردم جهان برای تغذیه روزانه خود به آنها وابسته‌اند– ذرت، سویا، برنج، گندم، حتی سبزیجات میوه‌ها و پنجه– و همین‌طور نژادهای جدیدی از طیور مانند که بیماری‌که اصلاح ژنتیکی شده‌اند تا بنا بر ادعاها در برابر ویروس مرک‌بار آنتفولانزای مرعی مقاومت کنند؛ یا حتی خوک‌ها و گاوهای تغییر ژن یافته. سسه تا از این چهار شرکت خصوصی با تحقیقات پنتاگون درباره جنگ‌افزارهای شیمیایی روابطی به قدمت چند دهه داشتند. کتاب حاضر «پروژه‌ای» را توضیح می‌دهد که عده اندکی از نخبران اجتماعی و سیاسی عهده‌دار انجام‌دادن آن شده‌اند؛ نخبگانی که پس از جنگ جهانی دوم در واشنگتن تمرکز یافته‌اند و بر منابع و اهرم‌های قدرت تسلط یافته‌اند و در انجام این پروژه حتی علم نیز در خدمت آنها قرار گرفته است.